فصلنامه علمی ـ تخصصی فقه و حقوق معاصر

سال ششم، شماره سیزدهم، پاییز۱۳۹۹

صفحات ۸۷ تا ۱۰۱

بررسی اهمیت و تاثیر عوامل روانشناختی در تحمل و ادای شهادت[۱]

رقیه بدلی[۲]

چکیده:

علم اعتباری حقوق در رابطه با سایر علوم همواره مصرف کننده نتایج و مفروضات سایر علوم مخصوصا روانشناسی بوده است. لاجرم تحول سیر حقوقی و یافتن جوابهای جدید منوط به تحولات علوم بیرون حقوق است. سئوال اصلی که به دنبال پاسخ دهی به آن هستیم این است که ، تا چه حد علم روانشناسی در شهادت به عنوان دلیل اثبات دعوا می تواند تأثیرگذار باشد؟ قاضی میتواند در تحقیق و رسیدگی و همچنین صدور رأی از طریق اصول علم روانشناسی، به موضوع احراز شهادت و استماع آن بپردازد ؟ در رویه قضایی نظر کارشناسی رسمی در احراز شهادت میتواند مبنای کار قضاوت قرار بگیرد؟ در هر صورت توصیه می شود تمهیداتی در جهت آموزشها و دستورال عملهای لازم، در رابطه با نقایص بالقوهدر کار قضا صورت گیرد و همچنین تعارضاتی را که در نتایج آزمونها ایجاد میشود و موجب اختلاف نظر میان صاحب نظران روانشناسی شهود میشود به حساب علمی بودن این رشته بگذارند و فراموش نکنند که همین اختلاف نظرها، کم و بیش در علوم دیگر هم وجود دارد. در پایان پیشنهاد میشود که استفاده از پیشرفتهای علم روانشناسی و حقوق کشورهای پیشرفته و قدرتمند این عرصه در نظام قضایی ایران، باعث ایجاد تلاقی و تحول بین علم روانشناسی و حقوق شود که منجر به کارشناسی شهادت در بستر قضایی است.

---

[۱] – دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۱۳ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۱۰

[۲] – دکترای روانشناسی؛ مدیر مرکز مشاوره شمع افروزان تبریز. R.badalib@gmail.com

واژگان کلیدی: شهادت، اثبات دعوی، کارشناسی، دلیل، روانشناسی

مقدمه

از پیدایش روانشناسی علمی نزدیک به یک قرن میگذارد. اگر آزمونهای «ویلهلم ووندف» در دانشگاه لایپزیک آلمانی در سال ۱۸۷۹ را نخستین گام در تبدیل روانشناسی به مثابه علم بدانیم، میتوان از تأثیر روانشناسی بر حوزه علوم اجتماعی و مخصوصاً دانش حقوق سخن گفت. با وجودی که از زمان پیدایش روانشناسی حقوقی دیری نمیگذرد، با این حال تأثیر بسیار شگرفی بر حوزههای پژوهشهای حقوقی گذارده است.

روانشناسی حقوقی با بررسی عناصر و عواملی نظیر: شخصیت، سن، نژاد، حافظه و هیجان، به این نتیجه رسیده اند که عوامل یاد شده، نقش موثر در شکل گیری ذهنیت شاهد دارند. از آنجا که عوامل روانی گوناگونی در شهادت موثر واقع میشوند، ناگزیر میباید بین آنها از جهت سهولت بررسی و نظم پژوهشی الفتی ایجاد کرد. از این رو به اقتضای میان رشتهای بودن موضوع پژوهش و ارتباط میان عناصر حقوقی و عناصر روانشناسی در آن، نوشتار پیش رو کوشیده تا عناصر روان شناختی را، که در مرحله ی تحمل شاهد تأثیر دارند، از عناصر حقوقی، که در مرحلهی ادا شهادت اقامه میشوند، بازشناسی کند. میتوان گفت این تقسیم بندی، به سبب ماهیت میان رشتهای بودن پژوهش انجام پذیرفته است. به طوری که با مقولهی شهادت که از نظر روانشناسی سه مقطع رمزگردانی، اندوزش، بازیابی را شامل میشود نیز، تطابق دارد.

در رابطه با موضوع ادای شهادت نیز به بررسی عواملی میپردازیم که از یک طرف در فرآیند یا نتیجه ارزیابی شهادت شهود مؤثر هستند و از طرف دیگر این عوامل منتسب به سیستم قضایی می باشند.

همچنین ذکر کلمه سیستم قضایی به جای دادگاه به خاطر شمول و عمومیت کلمه سیستم قضایی به مقامات پلیس و عوامل دادسرا و غیره است.

۱- تأثیر عامل شخصیت در ایجاد و تحمل شهادت

شخصیت یکی از چهار عامل بنیادی و موثر در تحلیل رفتاری شاهد است که در این قسمت از جهات گوناگون مانند: برون گرایا درون گرا بودن، روان آزردگی، وظیفه شناسی، درون سنجی، گیجی، کم دقتی، انحرافی بودن، جامعه ستیزی، اسکیزوفرنی و ریختهای هوشمند، توصیفی، تفسیری

و سطحی مورد بررسی قرار می دهیم و همچنین چگونگی تیپهای مختلف شخصیتی که می تواند در انواع مختلف بازجویی و تحقیق شهود موثر باشد و اینکه تیپهای مختلف شخصیت شاهدان در مرحله ی ارزیابی نهایی قضایی چگونه و به چه اندازه تأثیرگذار است.

۱-۱- تأثیر مولفه های شخصیت در تحمل شهادت

گذشته از اختلافی که در زمینه تقسیم بندی ویژگیهای شخصیتی میان پژوهشگران وجود دارد اما نوعی توافق در رابطه با پذیرش پنج بعد ویژگی شخصیتی آدمی متصور هستند، که این پنج بعد عبارتند از: منعطف بودن، وظیفه شناسی، برون گرایی، دل پذیر بودن، روان آزرده خویی.(براهنی، ۱۹۹۸، ص ۲۸۵)

یکی از راهکارهای مهمی که برای کشف چگونگی شخصیت انسان توسط روانشناسان صورت می گیرد، استفاده از پرسشنامه های شخصیت می باشد که روش ام. ام. پی. آی نخستین پرسشنامه بزرگی است که از چند معیار تشکیل شده است که در آن زمینه ی گرایشها، واکنشهای هیجانی، تجربه ها و نشانه های بیماری جسمانی و روانشناسی مورد ارزیابی قرار گیرد.

۲-۱- تأثیر اقسام شخصیت در تحمل شهادت

از آنجا که اقسام مختلفی از گونه های شخصیتی به طور کلی و شخصبت شاهد به طور ویژه گفته شده است، یادآوری تمام موارد در اینجا، موجب پراکندگی و ابهام می شود . به منظور تاکید بر جنبه های کاربردی، سعی بر آن است که ابتداجوهر، شخصیت ها از مقسم های گوناگون بررسی شوند تا پس از مقایسه آنها با یکدیگر، بهع بررسی بهتر تقسیم بندی یا گونه های آرمانی شخصیت شاهد ، دست یابیم.

۲- تأثیرگذاری جنسیت در تحمل شهادت

شاید یکی از بحث برانگیزترین معیارهایی که در این پژوهش به آن میپردازیم، بحث تفاوت جنسیتی باشد، چرا که به دلیل تفاوتهای مختلف در فرهنگها به خصوص فرهنگهای اسلامی، تفاوتهایی میان شهادت مرد و زن قائل شدهاند و از سوی دیگر جنبشهای فمینیستی در کنار تحقیقات

علمی، به برابری شناختی توانایی مرد و زن معتقدند، پس میتوان نتیجه گرفت این تضاد اجتماعی به بحثهای روانشناختی و حقوقی نیز کشیده میشود. از تحقیقاتی که راجع به تفاوت زن و مرد صورت گرفته میتوان به مواردی از آنها اشاره کرد:

در رابطه با پژوهش هایی که در این زمینه صورت گرفته میتوان به علتی مانند حافظه شناختی زنان برای تشخیص چهره اشاره کرد که نسبت به مردان دقیقتر هستند. محققان دریافتند که میزان موفقیت تشخیص رنگ چهره، در دختران ۸۱ ٪ به نسبت ۷۱ ٪ در پسران بوده است. همچنین بر اساس مشاهدات صورت گرفته از سوی روانشناسان در بحث تفاوت میان مرد و زن میتوان به تغییرات هورمونی زنان در عادات ماهیانه و نیز تغییرات دوره ی یائسگی و پس از آن اشاره کرد که موجب تغییراتی در توانایی های شناختی و یادآوری آنها میشود که در جهت امر و موضوع شهادت دچار مشکل و آسیب رسانی به واقعیت ها در خلال اتفافات صورت گرفته میشود. به عنوان نتیجه بحث میتوان به اظهارات یکی از هر عقیدهای که حکایت از تفاوت میان روانشناسان بزرگ به نام یارمی اشاره کرد، که می گوید توانایی های شناختی زن و مرد از جهت تشخیص ادراک و یادآوری موضوعات داشته باشند، بیشتر به نوعی تصعب و پیش فرض میماند و فاقد هرگونه تأیید علمی است.

۱-۲- کاربرد حقوقی تأثیر جنسیت در رابطه با تحمل شهادت

در اینجا بحث ما بر سر عامل جنسیت در رابطه با شهادت و چگونگی ادا میباشد و اینکه چه راهکاری در رابطه با بحث تبعیض جنسیتی وجود دارد و نیز آن که قانون کشور ایران به چه کیفیتی با این موضوع برخورد کرده است. از مباحث دیگری که در این گفتار به آن میپردازیم، بررسی تحولات جاری و نیازمندی های زمانه و تحقیقات جدید روانشناسی است

۲-۲- رویکرد علم روانشناسی و آیات و روایات به موضوع

در خصوص بررسی و تطبیق فقه با روانشناسی می باید نخست به پیش فرض های ذیل توجه نمود: اولاً – تحولات جامعه شناختی و فرهنگی جهت گیری قوانین کشوری را به سمت حمایت از حقوق زنان و توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر که تساوی حقوق زن و مرد را مقرر

داشته است؛ بایسته میسازد. ثانیاً – تحقیقات و آزمونهای روانشناختی که برخلاف باورهای رایج ثابت میکنند که هیچ تفاوت مهم و بنیادی میان توانایی های شناختی و احساسی زنان و مردان وجود ندارد که بتوان آن را مبنای تفاوت در احکام حقوقی دانست.(حرعاملی ، ۱۴۰۹، ج ۱۸ ، باب ۲۱ الشهادت؛ قاسمی حامد، ۱۳۸۰، ص ۱۰۶) همچنین با توجه به آزمونهای روانشناسی و فیزیولوژیک و علم تجربی ابداً ذهن زنان نقص سیستماتیک ندارد. بلکه این امر به دلیل محدودیتها و سرکوب هایی است که در جامعهی عرب آن زمان حکم فرما بود.در زمان حاضر که تساوی حقوق و امکانات تا حدود زیادی گسترش پیدا کرده مشاهده میشود که ذهن و دستگاه اداراکی زنان نه تنها ناقصتر از مردان نیست بلکه در برخی موارد بهتر و دقیق نیز میباشد. در نتیجه بهتر است احکام شارع تابع تفکر و ذهنیت زنان در جامعه عربی قدیم نباشد و هم اکنون این موضوع کاملاً تغییر کرده و شایسته است که احکام فقهی نیز به تبع تغییر موضوع، دگرگون شود. به عنوان مثال در رابطه با مسائلی چون شطرنج و غنا که فقها قبلاً به تحریم آن و اکنون به تحلیل آن اعتقاد دارند، اشاره نمود.

از آنجا که اصول دادرسی به طور عام است و اختیار ارزیابی دلایل از سوی قاضی است و همانطور که در ماده ۲۴۱ آ. د مدنی مقرر میدارد: تشخیص ارزش و تأثیرگذاری شاهد با دادگاه است. میتوان به قاضی پیشنهاد کرد که فراتر از محدودیت های جنسی و کمیتی به کیفیت شهادت و شاهد توجه کند. به امید آنکه این تغییرات در نظام قانونگذاری شهادت اعمال داده شود.

۳- تأثیر نژاد در رابطه با موضوع شهادت

نژاد به عنوان یکی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر شهادت، همواره مورد مطالعه ی پژوهشگران فن بوده است. موضوعیت نژاد در کشورهایی مانند آمریکا، که دارای اختلاط نژادی فراوان است، بیشتر از کشورهای دارای نژادهای یک دست، نمایان می شود. همچنین می توان موضوعیت بحث در حقوق کنونی را، با بحث قومیت در ایران مقایسه کرد. گرچه نژاد مفهوماً با مساله قومیت ها متفاوت است. با وجود این، در برخی موارد ممکن است عوامل قومیت و نژاد توأمان در ادای شهادت ، تاثیر داشته باشند.

زیرا به همان نسبت که عامل نژادی ، به عنوان یک پیش فرض ذهنی ممکن است باعث مقاومت شاهد در بیان یا تحریف واقعیت ها شود، مساله قومیت نیز، می تواند موجب مقاومت یا دگرگونی واقعه در بیان شهادت شاهد باشد.

ما در اینجا به دنبال پاسخگویی به این دو سوال هستیم که :

۱. آیا از نظر علمی توانایی های حافظه، شناخت ، ادراک و یادآوری یک نژاد خاص مثلاً سفیدپوست بودن بهتر از نژادهای دیگر مثلاً سیاه پوست یا سرخ پوست است؟
۲. آیا تشخیص ، شناسایی و یادآوری شاهد نسبت به یک هم نژاد خود بهتر و دقیق تر از یک غیر هم نژاد است یا خیر؟

در پاسخ به سوال اول باید گفت که در صورت اثبات چنین رابطه ای ، قطعاً نژاد به عنوان یک ملاک مهم در هنگام ارزیابی شهادت ، می باید مدنظر قرار بگیرد. در صورتی که این امر اثبات نشود، به طور ضمنی به قضات هشدار داده شده که با پیش فرضهای منفی در مورد ارزیابی یک نژاد خاص در حافظه و توانایی شناختی اش، شتاب زده تصمیم گیری نکنند. در پاسخ به سوال دوم، تحقیقات نشان داده که آزمونها ثابت کرده که ما در تشخیص یک غیر هم نژادی خود کمتر از هم نژادی دقیق و خوب عمل می کنیم.(Loftus, ۱۹۷۹, p.۱۳٦)

در پایان پیشنهاد می شود که قضات و بازپرسان به مسائل میان نژادی و میان قومی و پیش فرض های منفی که در مورد شهادت افرادی از یک قوم یا نژاد خاص علیه قوم یا نژاد دیگر وجود دارد، آگاه باشند.

همچنین با توجه به مطالب پیش گفته، یادآور می شویم که شهادت شاهدی که با مشهود علیه خود هم نژاد نیست را با اندکی تردید بنگریم.)اماره منفی(البته باید خاطرنشان کرد کسانی که با غیر هم نژادی خود حشر و نشر بیشتری دارند، به مرور توانایی بهتر شناختی کسب می کنند.(اماره مثبت)

٤- تأثیرگذاری سن در رابطه با تحمل شهادت

در این مبحث سعی بر آن است که میزان تأثیر سن بر حافظه ادراک و همچنین احساس شاهد و نیز تأثیر سن بر قابل اعتماد بودن مفاد شهادت شاهد را در دادگاه مورد ارزیابی قرار داده و به علاوه اینکه تأثیر پیشرفت علم روانشناسی با توجه به تأثیرات مثبت یا منفی افزایش سن از جهات گوناگون بررسی شود.

سن از آنجا که یک مقولهی مهم تلقی میشود و در طول زندگی عملکردهای حسی و ادراکی به طور دایم در حال تغییر می باشند ولی این تغییرات در دوران جوانی کندتر از دوران کودکی و نوزادی رخ می دهد و این در حالی است که با رسیدن به سن چهل سالگی این تغییرات رفته رفته کاهش می یابند.(کورن، ۱۳۸۷،ص ۲) در این رابطه میتوان به بالا رفتن سن اشاره کرد که موجب حساسیت بینایی و شنوایی میشود و نیز به عارضه پیرچشمی که تأثیرگذار در رابطه با موضوع شهادت است، اشاره نمود. از جملهی تغییرات دیگر در رابطه با بالا رفتن سن میتوان به تغییرات مغزی اشاره کرد، زیرا که افراد پیر نمی توانند مانند جوانان عکس العمل سریع از خود نشان دهند. تحقیقات نشان داده که ۱۵ ٪ افراد ۱۵ ساله را میتوان در گروه افرادی که نقص شنوایی دارند، قرار داد. این آمار در افرادی که ۷۰ سال دارند و دارای مشکل شنوایی هستند به ۷۵ ٪ می رسد.

٥- تأثیر عوامل متغیر روان شناختی در تحمل شهادت

در این مبحث ما به متغیرهای دیگر که در رابطه با موضوع شهادت هستند، می پردازیم و نحوه تأثیرگذاری و میزان تأثیر هر یک از آنها در رابطه با شهادت را عنوان خواهیم کرد:

۱-٥- تأثیر عامل هیجان در رابطه با موضوع شهادت

در اینجا تعریفی از هیجان ارائه می دهیم به این صورت که هیجان عبارت است «از وضعیت پیچیده ای که در پاسخ به تجربه های دارای بار احساسی ارائه می شود»(براهنی، همان، ص۲) و مصادیق آن از جمله: ترس، شادی، عصبانیت، نفرت، استرس که در صحنه دنیای واقعی هر لحظه و هر روز اتفاق می افتند که ممکن است در صحنه ی دادگاه نیز روی دهند.(Belmont,۱۹۹۰, p.۱۱)وقتی شخص متهم ویا شاهد هیجانهای مختلف را در صحنه دادگاه نشان می دهد، استنباط

های مختلف را در قضاوت و هیأت منصفه برمی انگیزاند و در بسیاری از موارد قضات و هیأت منصفه به درست یا نادرست، بر مبنای همین هیجانها قضاوت خود را بنا میکنند. بر اساس جدولی که توسط یک روانشناس به نام پلاچیک ساخته و پرداخته شده در آن اقسام هیجان و ساز و کار آن به جنبه های مختلفی تقسیم بندی شده است، که در آن هیجان به هشت دسته ذیل می باشد:(براهنی، همان، ص۱۱)

اندوه ناشی از مرگ عزیزان، ترس ناشی از تهدید، خشم ناشی از مانع، شادی به خاطر همدم، اعتماد به خاطر عضو خانواده بودن، انزجار به خاطر رویت شی وحشت انگیز یا انتظار و شگفتی ناشی از یک شیء نوظهور که هر کدام از مصادیق هیجان هستند که دارای بار احساسی خاص خود می باشند.

یکی از مواردی که خشونت زیادی را می طلبد و تأثیر بسیار مخربی بر عواطف و احساسات شخص می گذارد جرایمی است که در آن مجرم با اسلحه گرم به ایجاد عمل بزه کارانه خود مثلاً سرقت از بانک، که باعث استرس و هیجان منفی ترس در شاهدین احتمالی، است که در آنها بیشتر بروز میکند. در این رابطه و تأثیر استرس و ترس میتوان گفت که شاهد اثر منفی یا مثبت قویتری نسبت به سایر هیجان ها و حافظه شخص شاهد دارد و قضات و هیأت منصفه چندان به دنبال یافته های روان شناختی نیستند.

روانشناسان قضایی تحقیقات فراوانی در خصوص مسأله استرس شاهد و تمرکز بر اسلحه انجام دادهاند که که از متخصصین روانشناسی است، اشاره نمود.

آنچه که در رابطه با کارکرد حقوقی عامل هیجان در تحمل شهادت میتوان گفت، به این شرح است که:

بر مبنای تحلیل یکی از محققان قدیمی: احساسات (هیجانها) بزرگترین منبع توهم است که عملیات عقلی را مختل میسازد. فردی که تحت تأثیر ترس است، چیزی که کوچکترین شباهتی با محرک ترسناک دارد را به عنوان محرک شناسایی میکند. بنابراین این عمل دستگاه ادراکی ناشی از هیجان، فلج میشود.(Bushwell, ۱۹۵۳, p.۳۲)

همچنین عشق و نفرت و به ویژه نفرت، تأثیرات چشم گیری در قضاوت دارند. عشق ادراک را محدود و مختل میکند ولی خطرناک نیست. زیرا امری دلنشین است. اما نفرت سبب دروغ گویی و خطای حسی می شود. به طوری که احتمال دارد امر شهادت را کلاً و از ریشه به خطا اندازد. بنابراین، از شاهد عینی کینه توز که بدخواه دیگران است باید ترسید و احتراز نمود.(براهنی، همان، ص ۷۲-۷۳)

بنابراین میتوان نتیجه گرفت که هیجانات میتوانند در تصمیم گیری و قضاوت ما تأثیر داشته باشند. از دیگر مطالبی که در خصوص هیجان باید به آن اشاره کرد این است که: قاضی یا بازپرس هنگام ارزیابی شهادت باید بررسی کند که حالت هیجانی شاهد حین تحمل حادثه چگونه بوده است. البته از روی هیجان موقع ادای شهادت، میتوان پی به هیجان زمان تحمل حادثه برد، زیرا اگر حادثه ای ترسناک اتفاق افتاد، در این صورت هنگام اداء حداقل برای بار اول همان هیجان تکرار و تداعی شده و در فیزیولوژی و چهره ی شاهد آشکار میشود. و پس از آنکه وجود و شدت هیجان مزبور احراز شد می باید بررسی کرد که هیجان مذکور چه تأثیر منفی در حافظه شاهد دارد.

در پایان میتوان به دادرسان و بازپرسان پیشنهاد کرد که بعد از کشف داستان مورد شهادت نسبت به حوادث قبل از وقوع (حوادث مقدم) بررسی انجام شود تا وجود یا عدم وجود حوادث خشونت بار مانند حضور سلاح گرم یا سرد و یا وقایع استرسزا حین استماع یا رویت شاهد، روشن شود و در صورت احراز موارد مذکور، ارزش کمتری برای شهادت هایی که در حالت استرس یا حوادث خشن احساس و ادراک شده است قائل شوند و در صورت تعارض با ادله آنرا اماره منفی بدانند. مگر آنکه استرس در حد معمولی باشد، که در این صورت استرس معمولی در شهادت اماره مثبت است.

۲-۵- تأثیر پیش فرض ها در رابطه با موضوع شهادت

کلیه باورها و تصورات تداوم یافته ذهنی، که در سه مرحله شناخت و یادآوری و تفسیر کردن قضایا تأثیرگذار هستند «پیش فرض ها» نامیده می شود. این باورها، جهت گیری خاصی را به اطلاعات خام اخذ، شده از دستگاه های حسی تحمیل مینمایند. بنابراین پیش فرض، شامل بافت و تصورات قابلی و اسنادها طرح وارهها هستند. در واقع به عمد اصطلاح پیش فرض در معنای فوق جعل شده است تا بتواند نظریه های کاربردی روانشناسی را که با عناوین مختلف طبقه بندی می

شوند، با موضوع پژوهش (شهادت)، نزدیک کند. ضمناً بحث از جنبه های کاربردی حقوقی نیز واجد این فایده است که به مقنن قابلیت پیش بینی آن عناصر ذهنی را میدهد که موجب تحریف واقعیت مورد شهادت میشوند. و شاهد را از حالت بی طرفی خارج میکنند. تا مبادا آلودگی و تیرگی پیش فرض موجود در ذهن شاهد به ذهن قاضی تسری پیدا کند.(التلاویلا ، ۱۳۸۴، ص ۲۸)

پیش فرض دیگر مربوط به پیش فرض تفسیری شناختی میباشد، که منظور از آن قالبهای ذهنی است که باعث میشود ذهن شاهد هم در مرحله ادراک قضیه و هم در مرحله ی یادآوری و ادای آن، به سوگیری و جهت گیری متمایل کند. مثلاً شاهدی با پیش فرض سوء ظن به متهم، در حالیکه شخص دستش را در کیفش بکند اما شاهد با تصور و ذهنیت اشتباه که در جیبش چاقو داشته و قصد تهدید مجنی علیه را داشته، این واقعهی ذهنی با یک پیش فرض تبدیل به واقعه ی ادعایی شهادتی خواهد شد.

ویژگی این پیش فرضها آنست که بیشتر در مرحله ی تفسیر شاهد از قضیه و نه ادراک وی موثر است. به این معنا که شاهد واقعهی مورد ادعا، مثلاً چاقوکشی، واقعیت فوق را صراحتاً ندیده بلکه استنباط و ادراک میکند. در واقع شاهد اینجا از مرحلهی شهادت عبور کرده و به خود جرأت داده و غاصبانه به مرحله ی قضاوت واردت شده و بعضاً حکم نیز، برای متهم صادر میکند. قاضی تیزبین می باید، با دقت ویژه ادراکات وی را از تفسیرهای وی متمایز و بعد ارزیابی کند.

در ادامه بحث پیش فرضها و اینکه بتوان در مقابل آنها سپری قرار داد و به مقابله با آنها برخاست، می توان استفاده از سیستم بازپرس و تحقیق و تحقیق متقابل از شهود را که برگرفته از حقوق کامن لو است برای سیستم قضایی ایران توصیه کرد.(دادستان، ۱۳۸۷،ص۲۱) در این مورد با تفسیر موسع از ماده ی ۲۳۸ آ. د. مدنی، به پرسش و پاسخ های خود اکتفا نکرده، بلکه به طرفین دادرسی به ویژه وکلا اجازهی تحقیق و پرسشگری از شهود را داد. زیرا با وجود پیش بینی مقنن و حق قائل شدن برای طرفین و وکلای آنها، عملاً این تحقیق و پرسش و پاسخ از شهود توسط اصحاب دعوا به طور نظام مند انجام نمی پذیرد.

٦- تأثیر عوامل روانشناسی در رویکرد تحقیق دادگاه ها در رابطه با شهادت

تأثیر سبک سؤالات سیستم قضایی بر بزرگسالان با توجه به اینکه در جریان محاکمه و مخصوصاً در جلسات دادگاه و وکلای مدافع سؤالات متعددی از شهود می پرسند و حتی با وجود آنکه در سیستم های کامن لا سه شیوه مختلف تحقیق، تحقیق متقابل، باز تحقیق بطور متوالی مورد استفاده قرار می گیرد ولی ضرورت بررسی این تأثیر بیشتر از سیستم حقوقی رومی ژرمنی احساس میشد هر چند نتایج آن در دو سیستم قابل اعمال است. با این همه برخی از حقوقدانان کاملا معتقدند سیستم تحقیق، ابزاری است که باعث می شود تمامیت و دقت اظهارات مطروحه شاهد در دادگاه تضمین شود. در این رابطه باید افزود که برخی معتقدند با وجود سیستم روانشناسی و یا کارشناسی شهود وجود نداشته باشد.

اگرچه استفاده از سیستم متقابل دارای مزایای بسیاری است ولی باید گفت که میتوان عیوبی نیز به دنبال داشته باشد. هدف از استفاده سیستم «تحقیق متقابل» تخریب صحت و اعتبار شهود است و وکلای مدافع برای رسیدن به مقصود از روشهای مختلف سود میجویند، از جمله پرسیدن سئوالات دارای پیش فرض و یا سئوالات انحصاری (بله یا خیر). نتیجه این سبک سؤالات بیشتر به تلقین جواب به شاهد تا کشف حقیقت منتهی میشود. در تحقیقات ثابت شده که طرح سئوالات جهتدار یا دارای پیش فرض یا پرسیدن سئوالات انحصاری (بله یا خیر) به جای پرسیدن سئوالات باز (که شاهد در ارائه جواب آزاد است) مانع جدی برای دقت و صحت اظهارات شهود تلقی می شود. چرا که این سئوالات بیشتر از آنکه جنبه استفهامی و کشف حقیقت را داشته باشند سعی در ارائه پیشنهاد یا اجبار شاهد به تغییر حافظه خود و بیان مطلب جدیدی غیر از آنچه که از قبل در حافظه ضبط کرده بود، می باشد.(انصاری، ۱۳۸۱، ص۲۶۷)

موضوع دیگری که در رابطه با اظهارات شاهد در دادگاه میتوان راجع به آن سخن گفت، مسئله اجبار و فشار بر شاهد است. حال بحثی که وجود دارد این است که از نظر روانشناسی با توجه به منفعل بودن حافظه آدمی و شاهد که جبراً در دادگاه حاضر شده و بسیار مستعد تلقین پذیری خواهد بود. ضمن آنکه با توجه به مکانیسم خود ابرازگری ممکن است شاهد به خاطر کسب خشنودی مقامات تحقیق کننده نظیر بازپرسی و قاضی، دقیقاً مطالبی بیان کنند که مطابق پیش فرض آنان و

به خاطر اجبار مادی و معنوی محیط و شرایط باشد اما لزوماً مطالب بیان شده مطابق واقع نباشد. روانشناسی در موضوع شهادت هرگونه اجبار و فشاری بر شاهد را منفی ارزیابی میکند و اثرات نامطلوبی نظیر کاهش دقت، تغییر و تحریف حافظه و تلقین پذیری شاهد را پیش بینی میکند.

نتیجه گیری

همانطور که در این نوشتار در رابطه با آن صحبت کردیم، عوامل ثابت و بنیادین در شهادت به چهار دسته تقسیم می شوند که عبارتند از : شخصیت ، جنس ، نژاد و سن.

با عنایت به اینکه تفاوتهای فردی و شخصیتی در پیش بینی رفتار و گفتار شاهد موثر است و از مقنن توقع داریم که نگاهی منطقی به تفاوتهای ذیل الذکر داشته باشد، اما این گونه نیست. چرا که مقنن به شاهد سک نگاه ساده نوعی دارد و ویژگی های شخصی شاهد ابداً در قانون در نظر گرفته نمی شود. در حالیکه این ویژگی های شخصی بسیار موثرتر از عوامل نوعی می باشد. از جمله این ویژگیها می توان به بی خیال بودن شاهد و گیجی یا کم دقتی میزان دقت وی در ضبط جزئیات و همینطور هوشمند بودن شاهد از جهت فهم علل و شرح و بسط، موثر حوادث و هیجانی بودن شاهد اشاره کرد. در نتیجه بدیهی است که در صورت عدم موارد ذکر شده و او به صورت اجمالی مثلاً به این صورت که قاضی به ویژگی های شخصیتی شاهد توجه کند ، که در صورت عدم ذکر این موضوع این موارد موجب افزایش فاصله قانون از واقعیت می شود . در رابطه با جنس شاهد همانطور که در تحقیقات روانشناسی ثابت شده است، تفاوتی که بتواند اختلاف احکام زن و مرد را در رابطه با موضوع شهادت توجیه کند وجود ندارد و به بیان دیگر تفکیک جنسی شاهد به زن و مرد، فاقد مبنای روانشناسی به شمار می آید. در حالیکه این تفکیک جنسیتی در قانون ایران به تبع فقه و تاریخ وجود دارد . النهایه با توجه به تحلیلی که در این پژوهش انجام گردید، به این نتیجه رسیدیم که به نظر می رسد علت عدم مقبولیت شهادت زنان در برخی حوزه ها به خاطر عدم بلوغ اجتماعی ذهن زنان جامعه عربی در زمان نزول آیات و روایات بوده است . طبعاً با پیشرفتهای روزمره و تغییراتی که در جوامع ایجاد شده و رشد و تغییر ذهن زنان و تغییر موضوع ای احکام ، حکم اختلاف زن و مرد نباید به قوت سابق ، باقی بماند . چرا که معیار مقبولیت قرآن برای شهادت رضایت متعارف اجتماعی است (ممن ترضون من الشهداء) و به نظر می رسد که این رضایت متعارف اجتماعی هم

اکنون لزوماً بر مبنای جنسی شهود مستقر نشده است. فلذا پیشنهاد می شود با تشخیص ارزش و تاثیرگذاری شاهد را بر عهده ی دادگاه می گذارد. توجه به اختیار مندرج در ماده ۲۴۱ آئین دادرسی مدنی که صرف نظر از جنس شاهد به ارزیابی و تحلیل مفاد اظهارات شهود و با توجه به عواملی که واقعاً تاثیرگذار در موضوع شهادت به حساب می آید، پردازد. نژاد همواره یکی از مهمترین موثر بر اشتباهات شهادت بوده که تاثیر منفی خود در ابر سیستم قضایی می گذارد.

منابع

انصاری، ولی الله(۱۳۸۱)، حقوق تحقیقات جنایی، تهران، سمت.

براهنی، محمد نقی(۱۳۸۸)، زمینه روانشناسی هیلگارد، تهران، رشد.

التلاویلا، برانکو(۱۳۸۴)، روانشناسی قضایی، مترجم: صادق محمدیان، تهران، جنگل.

حرعاملی، محمد جعفر(۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم، آل البیت(ع).

دادستان، پریرخ(۱۳۸۷)، روانشناسی مرضی تحولی، تهران، سمت.

قاسمی حامد، عباس(۱۳۸۰)، تحلیل حقوقی شهادت ، تهران، ققنوس.

کورن، استنلی(۱۳۸۷)، احساس و ادراک، تهران، ارسباران.

Belmont,R and ceiselman E.(۱۹۹۰)Effect of witnessing conditions and edpert witnss testimony on credibility of an eyewitness, American Journd of Forensic Psychology,

Bushwell, C.T(۱۹۵۳).How people look at picture, university of ehicago press.

Loftus, F Elizabeth, Eyewitness testimony, USA, Harvard university press,۱۹۷۹.